

گزارش

بیش از ۱۰۰ مهاجر ایرانی غیرقانونی بعد از دیپورت راهی کشور شدند

بازگشت مهاجران و دیپلماسی در سایه

شرق: رسانه‌های آمریکایی خبر دادند دولت ترامپ حدود صد مهاجر ایرانی غیرقانونی را پس از توافق با تهران از آمریکا دیپورت کرده است. به گزارش نیویورکتایمز، بیش از این آمریکا در سال ۲۰۲۴ بیش از ده‌ها ایرانی را طی چند پرواز تجاری به ایران بازگردانده بود؛ بالاترین تعداد در سال‌های اخیر. دو مقام ایرانی گفتند اخراج‌شدگان شامل زنان و مردان بودند که برخی از آنها زوج بودند. به گفته آنان، برخی پس از ماه‌ها بازداشت داولپلانه رفتند و برخی دیگر چنین نبودند. موضوع اخراج مهاجران ایرانی غیرقانونی از آمریکا، در نگاه نخست به‌عنوان یکی از بخش‌های سخت‌گیرانه سیاست مهاجرتی دولت دونالد ترامپ قابل بررسی است، اما آنچه این مسئله را از دیگر پرونده‌های مشابه متمایز می‌کند، افشای وجود مذاکرات پنهانی میان ایران و آمریکاست که برخلاف تمام تابوهای سیاسی داخلی در تهران و فضای پیچیده روابط دو کشور، به توافقی عملی در حوزه بازگرداندن این مهاجران منجر شده است.

بخشی از سیاست‌های مهاجرتی سخت دولت ترامپ

سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی دونالد ترامپ، ازجمله شاخص‌ترین محورهای برنامه‌های او است. سیاستی که به‌ویژه در قبال مهاجران غیرقانونی اجرا می‌شود و بسیاری از گروه‌های مهاجر را هدف قرار داده است. مهاجران ایرانی هم از این قاعده مستثنا نبودند؛ ایرانیانی که اغلب به دلایل سیاسی، مذهبی و امنیتی، به آمریکا پناه آورده و در شرایط دشوار و پرچالش‌نی زندگی می‌کردند.

براساس گزارش رسانه‌های آمریکایی، ازجمله نیویورکتایمز، دولت ترامپ در اقدامی حدود صد مهاجر ایرانی را در قالب یک پرواز چارتری از لوئیزیانا به ایران بازگرداند. این اخراج دسته‌جمعی که در روزهای اخیر رخ داد، حاصل ماه‌ها رایزنی میان مقام‌های دو کشور بود. گفته می‌شود بسیاری از این افراد به‌تازگی وارد آمریکا شده یا مدت‌ها در بازداشت بوده‌اند؛ برخی از آنان حتی درخواست پناهندگی ارائه داده بودند که یا رد شده یا هنوز مراحل قضائی آن به پایان نرسیده بود.

معمای هویت و شرایط مهاجران اخراجی

هویت دقیق این مهاجران و جزئیات حضورشان در آمریکا هنوز به صورت رسمی و کامل منتشر نشده، اما آنچه روشن است، این است که این گروه شامل افرادی بوده که ادامه حضورشان در آمریکا امکان‌پذیر نبوده و باید این کشور را ترک می‌کردند.

احتمالا بخشی از این افراد از طریق مرزهای جنوبی آمریکا، به‌ویژه مرز مکزیک، وارد آمریکا شده بودند؛ مسیری که سال‌هاست به یکی از کانال‌های اصلی مهاجرت غیرقانونی به آمریکا تبدیل شده است.

طبق گزارش نیویورکتایمز، آمریکا به دلیل فقدان روابط دیپلماتیک رسمی با ایران و دشواری صدور مدارک لازم، همواره در اخراج این گروه‌ها با موانع فنی و حقوقی متعددی روبه‌رو بوده است. این امر باعث شده بود مهاجران ایرانی یا ماه‌ها در بازداشت بمانند یا آزاد شده و به صورت غیرقانونی در آمریکا زندگی کنند. اما در سال جاری میلادی، به نظر می‌رسد رویکرد دولت آمریکا تغییر کرده و به دنبال اخراج دسته‌جمعی این افراد رفته است.

واکنش‌ها وعده‌های وزارت امور خارجه ایران

در پاسخ به این تحولات، وزارت امور خارجه ایران با اعلام اینکه مجموعاً حدود ۴۰۰ مهاجر ایرانی در آمریکا شناسایی و قرار است اخراج شوند، از آمادگی کامل برای ارائه خدمات کنسولی به بازگشت‌کنندگان خبر داده است. حسین نوش‌آبادی، مدیرکل پارلمانی وزارت خارجه و از اعضای پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس، ضمن تأیید این موضوع تأکید کرد که این افراد عمدتاً به صورت غیرقانونی وارد آمریکا شده‌اند و این اخراج‌ها در قالب یک برنامه مدون و هماهنگ در حال اجراست.

وزارت امور خارجه همچنین اعلام کرده است بازگشت مهاجران با تضمین‌های امنیتی همراه خواهد بود و هیچ‌گونه مشکل امنیتی متوجه آنها نخواهد شد.

مذاکرات پنهانی وتابوشکنی در روابط تهران-واشنگتن

اما شاید بخش مهم‌تر و کمتر آشکار موضوع، روند مذاکراتی است که منجر به این توافق شده است. در حالی که توافق با آمریکا برای حتی در بحث هسته‌ای که این روزها به بن‌بست دیپلماتیک رسیده و شاهد اجرای مکانیسم ماشه هستیم، به‌عنوان یک خط قرمز و تابو تلقی می‌شد، حالا مشخص شده که بین تهران و واشنگتن، دست‌کم در حوزه مهاجران ایرانی غیرقانونی، مذاکرات محرمانه و مؤثری انجام شده است. جزئیات دقیق این گفت‌وگوها، نحوه شکل‌گیری آنها و نقش بازیگران مختلف در دو طرف، همچنان محرمانه باقی مانده است. این روند در شرایطی اتفاق می‌افتد که مذاکرات هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی همواره با فشار گروه‌های تندرو داخلی و محدودیت‌های سیاسی همراه بوده است؛ چه برسد به مذاکره مستقیم و علنی با آمریکا. بنابراین، این اتفاق نشان‌دهنده یک واقعیت مهم است: در پس پرده تنش‌های سیاسی و رسانه‌ای، گفت‌وگوهای پنهان و مذاکراتی وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز توافقات عملی حتی در حوزه‌های حساس شود.

پیامدها و ابعاد انسانی اخراج‌ها

اخراج دسته‌جمعی مهاجران ایرانی غیرقانونی‌س از آمریکا، فارغ از بحث‌های حقوقی و سیاسی، دارای ابعاد انسانی قابل توجهی است. بسیاری از این افراد با امید به زندگی بهتر و امنیت، راهی آمریکا شده و با شرایط ناگوار و مبهم مواجه شده‌اند. ردشدن یا معوق‌شدن پرونده‌های پناهندگی، بازداشت‌های طولانی و عدم اطمینان به آینده، شرایط پیچیده‌ای را برای آنان ایجاد کرده است. اخراج ناگهانی و دسته‌جمعی، بدون توجه به وضعیت حقوقی و انسانی افراد، می‌تواند تبعاتی جدی برای آنها داشته باشد؛ ازجمله مواجهه با مشکلات امنیتی، اجتماعی و اقتصادی در ایران. البته دولت ایران با اعلام آمادگی برای ارائه خدمات کنسولی و تضمین امنیت بازگشت‌کنندگان، تلاش دارد ابعاد حقوقی و انسانی این بازگرداندن‌ها را مدظریت کند. پرونده اخراج مهاجران ایرانی غیرقانونی از آمریکا، با وجود ماهیتی صرفاً مهاجرتی و حقوقی، در واقع پنجره‌ای است به پیچیدگی‌های سیاسی و دیپلماتیک روابط تهران و واشنگتن. این پرونده نه‌تنها بازتابی از سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت ترامپ در حوزه مهاجرت است، بلکه پرده از مذاکرات میان دو کشور برداشته که برخلاف تمام تابوها و موانع داخلی، به توافقات عملی و ملموس انجامیده است. این اتفاق، علاوه بر پیامدهای انسانی و حقوقی، اهمیت راه‌های ارتباطی غیررسمی و گفت‌وگوهای پشت پرده را در روابط دو کشور نشان می‌دهد؛ گفت‌وگوهایی که می‌تواند در آینده مسیر دیپلماسی را بازتر کند. البته این مسیر، پر از چالش‌ها و محدودیت‌هاست و نیازمند شفافیت و توجه بیشتر نخبگان سیاسی و رسانه‌ای است. در نهایت، این پرونده به ما یادآوری می‌کند که در دل تنش‌ها و برخورد‌های سخت، امکان گفت‌وگوی سازنده و یافتن راهکارهای عملی وجود دارد؛ امری که می‌تواند سرآغاز مرحله‌ای جدید در تعاملات ایران و آمریکا باشد.

بازخوانی کارنامه عراقچی با کلکسیون‌ی از بحران‌ها در گفت‌وگو با ساسان کریمی

۴۰۶ روز بعد

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در ۴۰۶ روزی که از سکنداری عباس عراقچی بر دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم گذشته است، آنچه رخ داده بیشتر به فهرستی از همه احتمالات منفی شباهت دارد تا به مسیری برای خروج کشور از بن‌بست؛ از استمرار رکود، سردی و حتی انجماد در روابط با برخی کشورها گرفته تا شکست مذاکرات هسته‌ای، وقوع جنگ در کشور و دست آخر هم بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت. همه این اتفاقات به‌مثابه حلقه‌های زنجیری هستند که نهایتاً کشور را به وضعیت بی‌سابقه کنونی کشانده‌اند. بی‌تردید نمی‌توان نقش شرایط دشوار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را نادیده گرفت، درعین‌حال سهم اشتباهات عراقچی در اتخاذ مواضع، تصمیمات، انتصاب‌ها و چپش‌های تیمی نیز در این فرایند پررنگ و انکارناپذیر است. کارنامه یک سال و یک ماه و ۹ روزه او، به‌روشنی کلکسیون‌ی از بحران‌ها را به نمایش می‌گذارد؛ کارنامه‌ای که برخلاف انتظارات اولیه، نه‌تنها امیدی برای خروج از بحران نیاورد بلکه تهران را در نقطه‌ای به‌غایت بحرانی‌تر قرار داد. در آغاز، تصور بر این بود که تجربه و پیشینه دیپلماتیک عراقچی، چه در دوره برجام و چه دوره احیای برجام، می‌تواند برای ایران روزنه‌ای از گشایش ایجاد کند؛ اما اکنون در برابر واقعیت تلخ «آزبخران»، تردیدی نیست که هنر و توان او در مدیریت شرایط، با پرسش‌های جدی روبه‌رو است. اگر چه تحولات منطقه‌ای و فقدان ابتکار عمل، فرصت‌های موجود را نیز از میان برده است. آنچه امروز پیش‌روی ایران قرار دارد، نه صرفاً مجموعه‌ای از مشکلات بیرونی، بلکه ترکیبی از خطاهای داخلی و فشارهای خارجی است که ساختاری پیچیده و گره‌خورده پدید آورده است. براساس این، می‌توان گفت دولت چهاردهم در حوزه سیاست خارجی به جای حرکت به سمت ترمیم و بازسازی روابط، در مسیری معکوس حرکت کرده و اکنون در موقعیتی ایستاده است که بازاندیشی بنیادین در راهبردها، بازسازی اعتماد ازدست‌رفته و جست‌وجوی شیوه‌های تازه مدیریت دیپلماسی بیش از هر زمان دیگر ضروری می‌نماید. برای بررسی دقیق‌تر و روشن‌تر کارنامه عباس عراقچی به گفت‌وگویی با دکتر ساسان کریمی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و معاون مؤسسه پایاب، نشسته‌ایم تا از نگاه او، دلایل و پیامدهای عملکرد وزیر امور خارجه دولت چهاردهم را واکاوی کنیم.

جناب کریمی، محوریت بحث با حضرت‌عالی ناظر بر آسیب‌شناسی و نگاه آسیب‌شناسانه به کارنامه ۴۰۶ روزه عباس عراقچی است. برخلاف تصورات و ارزیابی‌های اولیه، ما اکنون در نقطه‌ای قرار داریم که بسیاری به کنایه می‌گویند حتی اگر سعید جلیلی هم وزیر خارجه بود، همین اتفاقات رخ می‌داد. اما با علم به مقوله ساختار-کارگزار و حوزه اختیارات وزیر امور خارجه در ترسیم و اجرای تصمیمات کلان سیاست خارجی و همچنین با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از بحران‌ها، چه ترور اسماعیل هنیه که با آغاز به کار ریاست‌جمهوری پزشکیان همراه شد و چه وعده صادق ۲، بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، آغاز کارزار فشار حداکثری بر تهران، وقوع جنگ ۱۲ روزه و... باز هم عباس عراقچی در جایی قرار گرفته که منتقد بسیار دارد. پیش از ورود به نقد و جزئیات این ناکامی‌ها، می‌خواهم به مصاحبه قبلی با شما درباره کارنامه عراقچی بازگردم که از آن دفاع کردید. اکنون هم بعد از یک سال و یک ماه و ۹ روز از سکنداری عراقچی، کماکان نگاه قبل را دارید؟

من با گفته شما مخالفم و پیش‌فرضی را که عنوان کردید، به‌هیچ‌عنوان قبول ندارم؛ چون اولاً وضعیت تغییر پیدا کرده است، دوم اینکه من همواره ترکیبی از انتقاد و حمایت را در قبال کارنامه وزارت امور خارجه آقای دکتر عراقچی مطرح کرده‌ام.

یادتان هست در مصاحبه قبلی در همین روزنامه «شرق»، شما حامی عراقچی بودید و از اقدامات او دفاع کردید؟

باز هم حرف شما را قبول ندارم. من از ایشان حمایت کردم، اما به این معنا نیست که همه اقدامات، تصمیمات و گفته‌های او را قبول دارم و این را به‌صراحت به شما در همین روزنامه «شرق» می‌گویم که اگر من جای آقای دکتر عراقچی بودم، شاید طور دیگری عمل می‌کردم و در اداره‌کردن دستگاه سیاست خارجی و حل پرونده‌های محوله، مسیر دیگری را طی می‌کردم. بنابراین نه من و نه هیچ فردی نمی‌تواند از نکت‌ک اقدامات، تصمیمات و مواضع آقای دکتر عراقچی در این مدت دفاع کند. پس کماکان مانند مصاحبه قبلی، اکنون هم مواضع من ترکیبی از دفاع و انتقاد است.

همین‌جا توقف کنیم. تا انتهای مصاحبه صرفاً روی انتقادات جلو می‌رویم و این پیش‌فرض را هم مدنظر داریم که رقیبا و حتی دشمنان کشور و مشخصاً ترامپ و تائپاهاو، براساس اقتضای دشمنی و رقابت، به دنبال تحمیل فشار، جنگ، تحریم، قطع‌نامه و... در راستای موانع رفع آسیب‌شناسی پس این بارمتر را کنار می‌گذاریم فقط روی آسیب‌شناسی عملکرد عراقچی متمرکز می‌شویم که ایران به این نقطه رسید. واقعاً چه شد که عراقچی انتظارات را برآورده نکرد؟ نه‌تنها انتظارات را برآورده نکرد، بلکه در نقطه مقابل آن چیزی که تصور می‌شد، قرار گرفت.

من نمی‌خواهم با این تندی که شما گفتید، مصاحبه را پیش ببرم. به هر حال آقای دکتر عراقچی در همین مدت بیش از یک‌ساله زحمات بسیار زیادی کشیدند، اما باید اذعان کرد که دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم، چه در سال ۱۴۰۳ و چه در سال ۱۴۰۴، در خواندن بازی و سناریوهای رقیبا و دشمنان، ضعیف و کم‌توان عمل کرد. با وجود توصیه‌هایی که به آقای دکتر عراقچی و دستگاه سیاست خارجی شده بود، شرایط مسائل را جدی نمی‌گرفتند و توصیه‌ها را هم جدی نمی‌گرفتند.

فقط همین مشکل بود که ما را به اینجا رساند؟

خیر، ضعف دیگر برخورد صنفی دستگاه سیاست خارجی بود که چندان برخورد دوستانه‌ای با اهالی خارج از دستگاه سیاست خارجی نداشت و نوعی دافعه وجود دارد.

چرا؟

چون گویا تمایلی به گرفتن مشورت و همفکری با دوستان بیرون از وزارت خارجه وجود ندارد. همواره خود را جدا می‌کنند، به‌گونه‌ای که احساس نداشتن اعتمادبه‌نفس در آنها دیده می‌شود. اما پیرو نکته درستی که شما گفتید، همه می‌دانیم که عملکرد اسرائیل، آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران ظالمانه است. اساساً روابط سیاست بین‌الملل هم عادلانه نیست و رفتار غرب هم در قبال ما کاملاً زورگویانه است. همه اینها را می‌دانیم. اما ما که نمی‌توانیم منتظر تغییر رفتار آنها باشیم و این انتظار را داشته باشیم که در راستای منافع ما عمل کنند، نکته جالب اینجاست که همه کشورهای دنیا در همین چار‌چوب و در همین شرایط، دیپلماسی و سیاست خارجی خود را تعریف کرده و پیش می‌برند تا منافع و امنیت ملی خود را تأمین

خبر، ضعف دیگر برخورد صنفی دستگاه سیاست خارجی بود که چندان برخورد دوستانه‌ای با اهالی خارج از دستگاه سیاست خارجی نداشت و نوعی دافعه وجود دارد.

چرا؟

چون گویا تمایلی به گرفتن مشورت و همفکری با دوستان بیرون از وزارت خارجه وجود ندارد. همواره خود را جدا می‌کنند، به‌گونه‌ای که احساس نداشتن اعتمادبه‌نفس در آنها دیده می‌شود. اما پیرو نکته درستی که شما گفتید، همه می‌دانیم که عملکرد اسرائیل، آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران ظالمانه است. اساساً روابط سیاست بین‌الملل هم عادلانه نیست و رفتار غرب هم در قبال ما کاملاً زورگویانه است. همه اینها را می‌دانیم. اما ما که نمی‌توانیم منتظر تغییر رفتار آنها باشیم و این انتظار را داشته باشیم که در راستای منافع ما عمل کنند، نکته جالب اینجاست که همه کشورهای دنیا در همین چار‌چوب و در همین شرایط، دیپلماسی و سیاست خارجی خود را تعریف کرده و پیش می‌برند تا منافع و امنیت ملی خود را تأمین

خبر، ضعف دیگر برخورد صنفی دستگاه سیاست خارجی بود که چندان برخورد دوستانه‌ای با اهالی خارج از دستگاه سیاست خارجی نداشت و نوعی دافعه وجود دارد.

چرا؟

چون گویا تمایلی به گرفتن مشورت و همفکری با دوستان بیرون از وزارت خارجه وجود ندارد. همواره خود را جدا می‌کنند، به‌گونه‌ای که احساس نداشتن اعتمادبه‌نفس در آنها دیده می‌شود. اما پیرو نکته درستی که شما گفتید، همه می‌دانیم که عملکرد اسرائیل، آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران ظالمانه است. اساساً روابط سیاست بین‌الملل هم عادلانه نیست و رفتار غرب هم در قبال ما کاملاً زورگویانه است. همه اینها را می‌دانیم. اما ما که نمی‌توانیم منتظر تغییر رفتار آنها باشیم و این انتظار را داشته باشیم که در راستای منافع ما عمل کنند، نکته جالب اینجاست که همه کشورهای دنیا در همین چار‌چوب و در همین شرایط، دیپلماسی و سیاست خارجی خود را تعریف کرده و پیش می‌برند تا منافع و امنیت ملی خود را تأمین

پس چرا این‌گونه در برابر ما عمل کردند؟

چون آنها انتقام جنگ اوکراین را از ما گرفتند.

اینجا تناقضی می‌بینم. پس به گفته شما اگر پای انتقام‌گیری جنگ اوکراین در میان باشد که قطعاً هست، نمی‌شده به هر طریقی و در هر زمانی آلمان، فرانسه و انگلستان را راضی کرد؟

خیر، شما پیش‌داوری کردید. منظور من این است که ما می‌توانستیم، اما راهکارها، پیشنهادها و راه‌حل‌های ما پی گرفت. سیاست خارجی مثل بازی تنیس یا پینگ‌پنگ می‌ماند. اگر شما راکت تنیس را با پنج ثانیه تأخیر بلند

کنند. پس انتظار این بود که آقای دکتر عراقچی و دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم در همین شرایط به دنبال ایجاد وضعیت یا تعریف وضعیت برای ایران باشند که به نظر من در این زمینه اهتمام کافی صورت نگرفت.

از طرف دیگر، آقای دکتر عراقچی باید «زمان‌شناس» و «مقدارشناس» هم باشد؛ به این معنا که نمی‌توان در عالم سیاست خارجی هر پیشنهاد یا راهکاری را در هر زمانی پی گرفت. سیاست خارجی مثل بازی تنیس یا پینگ‌پنگ می‌ماند. اگر شما راکت تنیس را با پنج ثانیه تأخیر بلند می‌کنانه‌تر عمل کنیم.

اتفاق در راستای همین جمله شما، ما شاهد دو بسته پیشنهادی عباس عراقچی، چه در جریان تماس با وزرای خارجه اروپا و چه در جریان سفر به نیویورک و قبل‌تر از آن توافق قاهره بودیم. اما واقعاً چرا وزیر امور خارجه با آن تجربه دوره برجامی، عملاً همه چیز را به روزها و ساعات آخر، بعد از ارسال نامه تروینکا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه حواله داد؟ چرا تصور داشت که با دیپلماسی دقیقه ۹۰ می‌تواند با کمترین هزینه موفق به مدیریت بحران شود؟

مسئله اساسی درخصوص آقای دکتر عراقچی، «جسارت» است. یعنی باید فرد در مقام وزیر امور خارجه، جرئت و توان پرداخت هزینه در داخل را داشته باشد. واقعاً یک وزیر امور خارجه، آن‌هم در شرایط بحرانی کنونی، باید خود را از حاشیه امن بیرون بیاورد و جسارت و توان پذیرش هزینه‌های داخلی را داشته باشد که کششگری لازم و تأثیرگذاری مثبت او بروز و ظهور پیدا کند.

قطعاً عراقچی از آخر و عاقبت جسارت و هزینه‌کرد داخلی می‌ترسد؟

بله، نکته شما درست است. این دست جسارت‌ها و هزینه‌کردن‌ها در داخل، آخر و عاقبت ندارد. اما به هر حال به صراحت می‌گویم، اگر کسی نمی‌خواهد جسور باشد و با جسارت عمل کند، نباید مسئولیت وزارت امور خارجه را هم قبول کند. نمی‌شود که دوسره بازی کرد؛ از یک سو وزیر امور خارجه شد و از سوی دیگر در حاشیه امن قرار گرفت. به هر حال، کشور در یک شرایط سخت، بغرنج و پیچیده قرار دارد و آقای دکتر عراقچی هم می‌دانست در چه شرایطی وزیر امور خارجه می‌شود، راهکارها چیست و چه هزینه‌هایی را باید بقبل کند.

چه می‌دانست و قبول نکرد و چه نمی‌دانست و قبول نکرد، هر دو عذر بدتر از نگاه است؟

دقیقاً، چون مثلاً آقای دکتر صالحی به‌عنوان وزیر امور خارجه اسبق کشورمان، مذاکرات عمان را که مقدمات مذاکرات برجامی شد، در شرایطی شروع کرد و پی گرفت که اصلاً چنین مذاکراتی در دستور کار نبود و کاملاً در یک بن‌بست قرار داشتیم. اما آقای دکتر صالحی با جسارت جلسو رفت و با هزینه در داخل، ایجاد وضعیت کرد. یعنی با پذیرفتن تمام مسئولیت‌ها و هزینه‌های داخلی، مذاکرات عمان را ایجاد کردند. آقای دکتر صالحی جسارت به خرج دادند.

و این هزینه‌کرد برای ایجاد وضعیت در عراقچی وجود ندارد؟

نه اینکه وجود ندارد. متأسفانه درخصوص آقای دکتر عراقچی، این هزینه‌کردن‌ها برای ایجاد وضعیت، کم‌رنگ‌تر است و اتفاقاً به دلیل همین کم‌رنگ‌بودن جسارت است که بقیه اتفاقات رخ داد. حالا اینکه می‌توانستیم جلوی جنگ با بگیریم یا مذاکرات مسقط را به نتیجه برسانیم، موضوع دیگری است. اما در برهه‌های مشخصی می‌توانست تیم مذاکراتی را به شکل دیگری بچیند.

منظور مشخص و مصداقی شما کیست؟ یعنی نباید

روانچی و غریب‌آبادی مذاکرات را ادامه می‌دادند؟ لزومی ندارد که تیم مذاکره‌کننده حتما شورای معاونان وزیر‌امور خارجه باشد. اینجا جا داشت که آقای دکتر عراقچی به‌عنوان وزیر امور خارجه، نگاه صنفی کمتری را پی می‌گرفت و با هزینه‌کردن‌ها و ایجاد وضعیت و با وسعت دید و وسعت اختیارات، با تیم مذاکراتی دیگری گفت‌وگوها را پی می‌گرفت.

بافت‌وایا و صف به باور شما، گفته عراقچی بهانه است که بار بار ویتکاف در پنج دور مذاکره، گفته‌هایش را تغییر می‌داد یا تیم مذاکره‌کننده ترامپ مشخص نبود که چه می‌خواهد یا چه می‌کند و از این دست موضع‌گیری‌ها؟

آمریکایی‌ها حرف خود را عوض می‌کردند، در عالم سیاست خارجی معنا ندارد، آن‌هم درخصوص آمریکایی‌ها. این مسئله بسیار واضح است.

خبر

معاون حقوقی رئیس‌جمهور: همه دستگاه‌ها برای دفاع از حقوق ملت ایران با جدیت وارد عرصه مستندسازی شوند

معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفت: ایجاد واحدهای ویژه در دستگاه‌های اجرائی برای جمع‌آوری اسناد بسیار مهم است و مستندسازی صحیح و آموزش حقوقی باید در دستور کار قرار گیرد تا کشور در آینده در عرصه نبرد حقوقی دچار خلا نشود. به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام مجید انصاری در همایش نبرد حقوقی علیه جنایات بین‌المللی گفت: برای دفاع از حقوق ملت ایران باید همه دستگاه‌ها با جدیت وارد عرصه مستندسازی شوند؛ چراکه سند معتبر، مهم‌ترین ابزار در پیگیری حقوقی جنایات دشمنان در محاکم داخلی و بین‌المللی است. او ادامه داد: امروز دشمنان ما در درجه اول اقتصاد، معیشت و بنیه زندگی مردم را هدف گرفته‌اند. از ابتدا هم تحریم‌های خود را متوجه حوزه اقتصاد کرده‌اند. از این‌رو اولویت اول کشور تقویت اقتصاد با مشارکت همه مردم و حمایت از بخش خصوصی است که در این بخش نقش حقوق‌دانان و اصلاح قوانین و مقررات و ارتقای فضای کسب‌وکار و رفع موانع قانونی مورد توجه است. انصاری با انتقاد از کوتاهی در مستندسازی حقوقی در دهه ۶۰ و دوران دفاع مقدس گفت: اگر در همان زمان اسناد دقیق جمع‌آوری و در مراجع بین‌المللی ارائه می‌شد، بسیاری از تروریست‌ها نمی‌توانستند از عدالت بگریزند و حامیان صدام نیز مجبور به پاسخ‌گویی می‌شدند.

محسن رضایی: در نامه ترامپ به مقام رهبری بحث موشک مطرح نیست

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: در نامه ترامپ به مقام معظم رهبری بحث موشک مطرح نیست و می‌خواهد بر سر انرژی هسته‌ای مذاکره بشود. آنها مراکز هسته‌ای ما را بمباران کردند و حالا می‌گویند بُرد موشک‌های ما نباید بیشتر از ۴۰۰ کیلومتر باشد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، محسن رضایی از آیین بزرگداشت شهدای والامقام اقتدار جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: روح افرادی که در راه خدا شهید شده‌اند در کنار پروردگار متعال قرار دارد. شهدا در بالاترین امکان معنوی و ثمره زندگی مادی قرار گرفتند. او افزود: این عزیزان به بالاترین نقطه عروج کردند. من نمی‌دانم اگر در مشکلات دست به دامن شهدا بشویم، بسیار جواب می‌گیریم. همچنین در جنگ ۱۲ روزه شهدا فداکاری بسیاری کردند. فرمانده اسبق سپاه پاسداران در دوران جنگ تحمیلی گفت: امروز نامشروع‌ترین دشمنان به ما حمله کرده و مردم ما را به شهادت رساندند. دشمن ما به هیچ چیزی پایبند نیست؛ به کودکان، پزشکان و... رحم نمی‌کنند. آنها قرار مذاکره می‌گذارند و خودشان آن را رها می‌کنند. او با تأکید بر اینکه جنگ ما جنگ پیشرفت است، تصریح کرد: دشمن نمی‌خواهد ملت ایران مقتدر شود. ما امروز در اقتضای هستیم که پیش‌تر شروع شد. آنها با به راه انداختن جنگ اقتصادی می‌گویند جمهوری اسلامی مردم را فقیر کرده است. رضایی تصریح کرد: در نامه ترامپ به مقام معظم رهبری بحث موشک مطرح نیست و می‌خواهد بر سر انرژی هسته‌ای مذاکره بشود. آنها مراکز هسته‌ای ما را بمباران کردند و حالا می‌گویند بُرد موشک‌های ما نباید بیشتر از ۴۰۰ کیلومتر باشد. از رسانه‌های می‌خواهم این تردید را ایجاد نکنند که آیا جنگ اقتصادی می‌کند یا خیر؟ ما در میانه جنگ هستیم. او همچنین اظهار کرد: جنگ اقتصادی مهم‌ترین جنگ ما است، من از وزیر محترم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و کارگران تشکر می‌کنم؛ ما امروز باید اقتصاد خود را توسعه بدیم، اقتصاد، پشتوانه نیروهای مسلح و معیشت مردم است. فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوران جنگ تحمیلی با اشاره به «اسپ‌بک» گفت: آنها جنگ نامشروع اقتصادی را علیه ما به راه می‌اندازند. ترامپ تأکید کرده که ایران نباید نفش اقتصادی داشته باشد. خوشبختانه بسیاری از این جنگ‌ها خنثی شد. رضایی تصریح کرد: دشمن ۲۰ سال تبلیغ می‌کرد که ایران می‌خواهد به کشورهای عربی حمله کند و پروژه ایران‌هراسی را راه انداخته‌ا، اما کشورهای عربی متوجه شدند که ملت ایران دوست آنهاست و این رژیم صهیونیستی است که با همه دشمنی دارد.